

سند برنامه درسی ملی:

« الگوی هدف گذاری و شایستگی های پایه »

جلسه ۱۳ اردیبهشت

دکتر موحدی

فهرست

۲.....	مقدمه
۲.....	الگوی هدف گذاری
۶.....	هدف کلی برنامه های درسی و تربیتی
۷.....	شایستگی های پایه
۸.....	۱. تعقل
۹.....	۲. ایمان
۱۱.....	۳. علم
۱۲.....	۴. عمل
۱۲.....	سوال: چطور قابلیت عمل را در متربی ایجاد کنیم؟
۱۵.....	۵. اخلاق
۱۵.....	سوالات

مقدمه

جلسه قبل گفتم که رویکرد و جهت گیری کلی برنامه های درسی و تربیتی، فطرت گرایی توحیدی است. همچنین، درباره ویژگی های دانش آموزان، معلمان، مدیر، محیط مدرسه، محتوای درس، شیوه تدریس و ارزشیابی در رویکرد فطرت گرایی توحیدی مطالبی را توضیح دادم. همچنین، مطالبی را در رابطه با فطرت و شیوه های شکوفا کردن فطرت دانش آموزان و اصلاح ارتباط آنها با خودشان، خداوند و جامعه و طبیعت، نکات و مطالبی را خدمتتان عرض کردم.

اکنون به ادامه مطالب «سند برنامه درسی ملی» می پردازیم.

الگوی هدف گذاری

در مدرسه و در کتب درسی، ما به دنبال تحقق برخی اهداف هستیم. این اهداف بر اساس الگوی زیر باید مشخص شوند:

ساحت های تربیت				
عرصه ها عناصر	رابطه باخوشتن (با محوریت رابطه با خدا)	رابطه با خداوند متعال	رابطه با خلق خدا (سایر انسان ها) (با محوریت رابطه با خدا)	رابطه با خلقت (طبیعت و...) (با محوریت رابطه با خدا)
تعقل				
ایمان				
علم				
عمل				
اخلاق				

در تصویر بالا، عرصه ها و عناصر الگوی هدف گذاری را مشاهده می کنید.

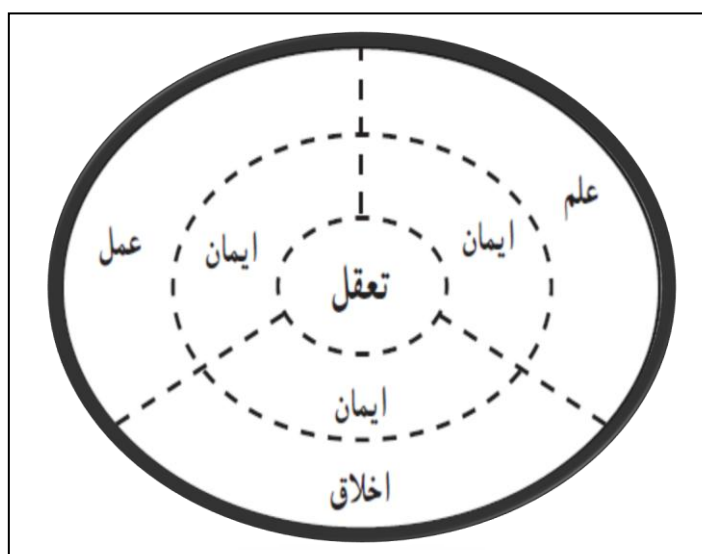
مفهوم تصویر، این است که دانش آموزان باید در هر یک از عناصر ذکر شده («تعقل»، «ایمان»، «علم»، «عمل» و «اخلاق»)، شایستگی هایی را به دست آورند که آنها را در اصلاح ارتباط شان با خود، خدا، دیگران و طبیعت، یاری کند. و این کار، باید همه ساحت های شش گانه تربیت را تحت پوشش قرار دهد.

«تعقل»، «ایمان»، «علم»، «عمل» و «اخلاق»، شایستگی های پایه نامیده می شوند.

منظور از «ساحت های تربیت»، ساحت های شش گانه است: تربیت اعتقادی اخلاقی؛ زیستی بدنی؛ هنری زیبایی شناختی؛ علمی فناورانه؛ اجتماعی سیاسی؛ و اقتصادی حرفه ای.

علت اینکه در تصویر بالا، «تعقل» و «ایمان» بالاتر از نقطه چین قرار گرفته اند، این است که این دو عنصر، نسبت به سایر عناصر مهم تر هستند. درواقع، «تعقل» و پس از آن «ایمان»، اصلی ترین و محوری ترین شایستگی هایی است که در کتب درسی و در تدریس دبیران باید به آموزش آن ها

توجه شود:



به عبارت دیگر، دو تصویر بالا، نقشه راه دبیران و کتب درسی، برای اصلاح موقعیت متربیان در ساحت های شش گانه حیات طیبه است.

سوال:

توضیح دهید که بر اساس الگوی هدف گذاری، چگونه باید دانش آموز را در ساحت «اقتصادی حرفه ای» (از ساحت های تربیت) تربیت کنیم؟

پاسخ:

دانش آموز، باید در ساحت «اقتصادی حرفه ای» شایستگی های پایه («تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق») را به دست آورد، تا بتواند در فعالیت های اقتصادی و حرفه ای خودش، رابطه اش را با خود، خدا، مردم و طبیعت اصلاح کند.

یعنی مثلاً در رابطه با خود، تنبلی نکند و حرفه ای را به درستی یاد بگیرد؛ در رابطه با خدا، وظایف دینی اش را در حوزه اقتصاد (مثل پرداخت زکات، ربا و رشوه نگرفتن، اسراف نکردن و ...) بشناسد و انجام دهد؛ در رابطه با دیگران، با فعالیت اقتصادی اش به آنها خدمت کند؛ در رابطه با طبیعت، بکوشد فعالیت اقتصادی او، مخرب محیط زیست نباشد.

همچنین، از منظر شایستگی های پایه، دانش آموز باید درباره نتایج کار اقتصادی خویش و پیامدهای آن بر زندگی دیگران تعقل کند (تعقل)؛ به ربوبیت خداوند و نقش عوامل معنوی در موفقیت خود ایمان داشته باشد (ایمان)؛ استعدادها و توانایی های خود را بشناسد و علوم لازم برای انجام شغل خود را بداند (علم)؛ خلاق و کارآفرین باشد و از فناوری اطلاعات و ارتباطات (برای بازاریابی و توسعه شغل و مهارت خود) استفاده کند (عمل)؛ در شغل خودش به ارزش های اخلاقی پایبند باشد و به کسب رزق حلال اهمیت بدهد (اخلاقی).

بنابراین، الگوی هدف گذاری در نظام تربیتی، علی رغم اینکه در شکل زیر به سادگی به تصویر کشیده شده، اما الگویی کاملاً جامع و همه بعدی است:

ساحت های تربیت				
عرصه ها عناصر	رابطه باخوشتن (با محوریت رابطه با خدا)	رابطه با خداوند متعال	رابطه با خلق خدا (سایر انسان ها) (با محوریت رابطه با خدا)	رابطه با خلقت (طبیعت و...) (با محوریت رابطه با خدا)
تعقل				
ایمان				
علم				
عمل				
اخلاق				

به بیان ساده، تصویر سه بعدی بالا، ارتباط شش ساحت تربیت را با چهار عرصه موقعیت و پنج شایستگی پایه نشان می دهد. اگر این سه عدد (۶، ۴ و ۵) را در هم ضرب کنیم، متوجه می شویم که این شکل، ۱۲۰ ارتباط را به تصویر کشیده است.

علاوه بر این:

در هدف گذاری برنامه های درسی و تربیتی، شکوفایی فطرت و دستیابی به شئون مختلف حیات طیبه، جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت های شش گانه تعلیم و تربیت مبنا قرار گرفته است که در قالب چارچوب مفهومی منسجم و یکپارچه ای در تدوین اهداف سطوح مختلف، راهنمای عمل برنامه ریزان و مجریان خواهد بود.

در این نقشه راه، همچنین سه مبنا مورد توجه قرار گرفته است:

۱. شکوفایی فطرت

۲. دستیابی به حیات طیبه در زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی، دنیوی و اخروی (شئون مختلف حیات طیبه)

۳. جامعیت، یکپارچگی و توجه متوازن به ساحت های شش گانه تعلیم و تربیت (ساحت های حیات طیبه)

یعنی کسب شایستگی های پایه و اصلاح موقعیت دانش آموزان، به منظور شکوفا کردن فطرت دانش آموزان و دست یابی آنها به ساحت ها و شئون حیات طیبه انجام می شود.

این دست یابی، باید به صورت متوازن و همه بعدی باشد، زیرا در غیر این صورت، به جای «انسان کامل»، «انسانی کاریکاتوری» تربیت کرده ایم. «انسان کاریکاتوری» به کسی گفته می شود که مثلاً

در بعد اعتقادی قوی است؛ اما به لحاظ اخلاقی ضعیف است؛ در حیات فردی موفق است، اما در حیات خانوادگی ناکام است؛ علم دارد اما اهل عمل نیست و

عناصر پنج‌گانه در شبکه‌ای مفهومی، مرتبط و به هم تنیده تبیین می‌شوند و در فرآیند عملی تربیت هر کدام از این عناصر، متناسب با نیازها و شرایط دانش‌آموز می‌توانند سرآغاز سیر تربیتی دانش‌آموز باشند و سایر عناصر را تقویت و تعمیق نمایند. در میان عناصر پنج‌گانه، عنصر تعقل جنبه محوری دارد

منظور این است که برخلاف ظاهر الگوی هدف‌گذاری، تفکیک کامل عناصر ۵ گانه (شایستگی‌های پایه) از یکدیگر امکان‌پذیر نیست. مثلاً شما یک استدلال عقلی ارائه می‌کنی که دانش‌آموز متوجه بشود ارتباطش با خودش درست نیست (چرا که مثلاً خودباوری و اعتماد به نفس ندارد). بعد از یک آیه یا یک روایت هم کمک می‌گیری. یک راهکار علمی هم برای اصلاح عملش به او ارائه می‌کنی. به این ترتیب، هر یک از عناصر ۵ گانه (عقل و ایمان و علم و عمل و اخلاق) می‌توانند نقطه شروع تدریس شما باشند و سپس پای سایر عناصر را به میان بکشند.

هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی

تربیت یکپارچه عقلی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش‌آموزان به گونه‌ای که بتوانند موقعیت خود را نسبت به خود، خدا، دیگر انسان‌ها و نظام خلقت به درستی درک و توانایی اصلاح مستمر موقعیت فردی و اجتماعی خویش را کسب نمایند. انتظار می‌رود دانش‌آموزان طی دوره تحصیلات مدرسه‌ای، در مجموعه عناصر پنج‌گانه‌ی الگوی هدف‌گذاری، به مرتبه‌ای از شایستگی‌های پایه دست یابند. این شایستگی‌ها بیان تفصیل یافته‌ای از هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی است.

با توجه به عناصر و عرصه‌های الگوی هدف‌گذاری، هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی چیست؟

تربیت دانش آموزان به گونه ای که شایستگی های پایه را به دست آورند و بتوانند به کمک این شایستگی ها، موقعیت خویش را درک و اصلاح کنند.

در این پاسخ:

شایستگی های پایه: تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق

موقعیت: ارتباط فرد با خودش، خدا، دیگران و محیط

مثلا کسی که خجالتی و کم رو است؛ کسی که جلوی جمع نمی تواند حرف بزند؛ کسی که در رودربایستی گیر می کند و نمی تواند «نه» بگوید، این گونه افراد در رابطه با دیگران دچار مشکل هستند. معلم باید سعی کند از زاویه های مختلف (عقلی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی) به دانش آموز کمک کند که بتواند بر این ضعف ها غلبه پیدا کند.

مثلا از زاویه ایمانی، شما می توانید به کسی که اهل رودربایستی و خجالتی و کم رو است، بگویید که اینها همه نشانه ضعف توست و خداوند آدم های ضعیف را دوست ندارد.

خداوند قدرتمند است و افراد قدرتمند را دوست دارد. کسی که ضعیف است، نمی تواند به انتهای صراط مستقیم برسد و محبوب خدا بشود.

شایستگی های پایه

در سال ۱۹۹۷ اتحادیه اروپا پروژه «DESCO» را به منظور شناسایی شایستگی های پایه (key competency) اجرا کرد که انجام آن چهار سال به طور انجامید. محتوای این پروژه این بود که داشتن چه شایستگی هایی (شایستگی = ویژگی ها+ مهارت ها+ توانمندی ها) برای رشد فردی شهروندان اروپایی ضروری است و باعث می شود که جامعه اروپایی، یک جامعه خوب باشد. آنها در نهایت به ۸ شایستگی رسیدند که عبارت بودند از شایستگی های فرهنگی، اجتماعی، ارتباطی و یکی از این شایستگی ها، «شایستگی بین فرهنگی» بود که معنایش این است که شهروندان اروپایی

باید نقد پذیر و دارای قدرت تحمل آراء و عقاید مختلف باشند و بقیه ادیان و ملت ها را حداقل به رسمیت بشناسند.

در هر صورت، مفهوم «شایستگی های پایه» یک ایده جدیدی که ما به آن رسیده باشیم، نیست. بلکه سوابقی در سایر نظام های تربیتی دنیا دارد.

با وجود این، ما شایستگی های پایه را بومی کرده ایم و به این نتیجه رسیده ایم که برای تربیت افراد صالح و درنهایت نیل به جامعه صالح و تحقق حیات طیبه به معنای واقعی کلمه، نیاز داریم که دانش آموزان، پنج شایستگی را کسب کنند: شایستگی تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق.

یعنی دانش آموزان باید در این پنج حوزه، صفات و ویژگی ها و توانمندی هایی را به دست آورند که آنها را بر درک و اصلاح موقعیت خود و دیگران توانمند سازد.

اصلاح موقعیت خود و دیگران، در نهایت، به اصلاح جامعه و تحقق جامعه صالح منجر خواهد شد. تحقق جامعه صالح نیز به معنای فراهم شدن زمینه مناسب، برای ظهور حضرت مهدی (عج) است.

در ادامه، توضیح داده می شود که منظور از کسب شایستگی های پایه، دقیقا کسب چه بینش ها (تعقل)، باورها (ایمان)، علوم (علم)، تعهدها (اخلاق) و به کارگیری (عمل) چه استعدادها، صفات و مهارت هایی است.

۱. تعقل

- ۱- درک وجود خود، نیازها، توانمندی ها، ظرفیت ها و ابعاد هویت متعالی خویش؛
- ۲- بصیر نسبت به آثار و پیامدهای سبک زندگی خود؛
- ۳- تدبر در صفات، افعال و آیات خداوند متعال به عنوان خالق هستی؛
- ۴- تدبر در نظام خلقت و شگفتی های آن.

در تصویر بالا، فقط عناوین «درک» و «بصیرت» و «تدبر» را می بینیم. درحالی که شایستگی «تعقل»، زمانی حاصل می شود که فرد استعداد درک و بصیرت را پیدا کند و آن را به فعلیت برساند و در اثر به کارگیری این توانمندی ها، صفات و ویژگی های او تغییر کند. به گونه ای که بتوانیم او را اهل تعقل و تدبر، و انسانی بصیر توصیف کنیم.

۲. ایمان

- ۱- ایمان آگاهانه به توحید، نبوت، معاد، امامت، عدل، عالم غیب و حیات جاودانه؛
- ۲- باور به ربوبیت و حضور حکیمانه همراه با لطف و رحمت خالق یکتا در عرصه هستی؛
- ۳- ایمان به انبیاء الهی، قرآن، پیامبر خاتم (ص)، ائمه معصومین علیهم السلام^۱ و ولایت مطلقه فقیه و نقش بی بدیل آن ها در هدایت و رستگاری بشر؛
- ۴- باور به نقش دین مبین اسلام^۲ و نظامات آن به عنوان تنها مکتب جامع و کارآمد برای تحقق حیات طیبه؛
- ۵- ایمان به ارزشمندی، هدفمندی و قانونمندی خلقت و باور به زیبایی های جهان آفرینش به عنوان مظاهر فعل و جمال خداوند؛
- ۶- ایمان به هویت الهی انسان، کرامت او و توانمندی های جمعی و فردی انسان.

شایستگی «ایمان»، زمانی حاصل می شود که فرد قابلیت ایمان را پیدا کند و آن را به فعلیت برساند و در اثر به کارگیری آن، صفات و ویژگی های او تغییر کند. به گونه ای که بتوانیم او را انسانی مومن توصیف کنیم.

توجه داشته باشید که هرکسی قابلیت «ایمان آوردن» ندارد.

تصور کنید جمعی در یک اتاق تاریک که هیچ نوری در آن نیست، نشسته اند که یک نفر، با چراغی وارد اتاق می شود. تا زمانی که نور نبود، همه این افراد مثل هم بودند. اما وقتی نور به اتاق وارد می شود، عده ای نور را می بینند و معلوم می شود بینا هستند. اما عده ای همچنان نوری نمی بینند. چون کور هستند.

به طور مشابه، خداوند همواره در قرآن تأکید می کند که برای مثال «ذلک الکتابُ لا ریبَ فیه هدیٌ للمتقین» (بقره، ۲) یعنی این قرآن، اهل تقوا را هدایت می کند. چون آنها بینا هستند و نور قرآن را می بینند. اما کسانی که فطرت شان اصطلاحاً منکوس شده و کرو کور و گنگ اند، استعداد ایمان آوردن را از دست داده اند.

بنابراین، شایستگی ایمان، در درجه اول، قابلیت ایمان آوردن است. یعنی اولین عنصر در کسب شایستگی ایمان، این است که روح فرد به قدری آلوده نشده باشد که دیگر نور حق را نتواند ببیند.

وجود این استعداد هم در افراد، دارای شدت و ضعف است. مثلاً، کسی که اشک چشم ندارد؛ کسی که سنگدل است؛ کسی که با انجام گناه، دچار عذاب وجدان نمی شود؛ کسی که با انجام کار نیک دچار نشاط نمی شود؛ اینها هر کدام تا حدی قلب شان کدر شده است. برخی بزرگان ذکر «یا حی و یا قیوم» را برای صیقلی کردن قلب و حیات آن توصیه کرده اند.

در هر صورت، قدم اول برای کسب شایستگی ایمان، این است که با برطرف کردن آلودگی های قلبی متریبی (اگر هنوز دیده قلبش به طور کامل کور نشده باشد)، او را مستعد ایمان کنیم. قدم دوم این است که فرد به مواردی همچون ۶ موردی که در ابتدا در تصویر ذکر شده بود، ایمان بیاورد و قدم آخر هم این است که این ایمان و باور، به گونه ای در جان فرد تثبیت شود که بتوانیم او را یک «انسان مومن» توصیف کنیم.

- ۱- شناخت خود، ظرفیت‌ها و هویت خویش؛
- ۲- شناخت حق تعالی، صفات، افعال و آیات الهی، معارف دینی و منابع آن؛
- ۳- علم نسبت به پدیده‌ها، روابط، رویدادها و قوانین جهان آفرینش و چگونگی برقراری ارتباط انسان با آن‌ها و بهره‌برداری بهینه از آنان؛
- ۴- علم نسبت به روابط، نقش‌ها، حقوق و وظایف خود و افراد و اهمیت آن‌ها در زندگی اجتماعی؛
- ۵- علم نسبت به گذشته و حال جوامع بشری به ویژه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران؛

- ۶- آشنایی با ویژگی‌های نظام مردم سالار دینی و جایگاه و رسالت جهانی ایران اسلامی؛
- ۷- آشنایی با روش‌های رمزگشایی پدیده‌ها و رمزگردانی آن‌ها و ابراز آن به زبان زیباشناسی و

هنر.

نکاتی که برای دو مورد قبل گفتیم، اینجا هم می‌گوییم:

شایستگی «علم»، زمانی حاصل می‌شود که فرد قابلیت کسب علم را پیدا کند و آن را به فعلیت برساند و در اثر به کارگیری آن، صفات و ویژگی‌های او تغییر کند. به گونه‌ای که بتوانیم او را انسانی عالم توصیف کنیم.

برای مثال، کسی که نمی‌تواند «گوش بدهد»، یعنی مثلاً وقتی هم که ساکت است، چنان غرق در افکار خودش است که عملاً صحبت‌های معلم را متوجه نمی‌شود و در نهایت نیز مطالب را صرفاً حفظ می‌کند، بدون اینکه به آنها بیندیشد! چنین کسی هنوز قدم اول را برای کسب شایستگی علم، برنداشته است. زیرا هنوز قابلیت کسب علم را پیدا نکرده است.

- ۱- عمل به آموزه‌های دینی و انجام آگاهانه و مؤمنانه واجبات و ترک محرمات؛
- ۲- به‌کارگیری ظرفیت‌های وجودی خود برای دستیابی به هویت متعادل و یکپارچه در مسیر رشد و تعالی خود و جامعه؛
- ۳- به‌کارگیری آداب و مهارت‌ها و سبک زندگی اسلامی - ایرانی؛
- ۴- به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کار و زندگی؛
- ۵- بهره‌گیری از مهارت‌های پایه برای شکل‌دهی هویت حرفه‌ای آینده خود به‌صورت مولد و کارآفرین؛
- ۶- بهره‌گیری آگاهانه از یافته‌های علمی، هنری، فنی، حرفه‌ای و بهداشتی و زیستی و تلاش مؤثر برای تولید و توسعه آن‌ها؛
- ۷- حفظ و تعالی محیط زیست، میراث فرهنگی و سرمایه‌های طبیعی؛
- ۸- به‌کارگیری مهارت‌های زبان و ادبیات فارسی و زبان عربی به عنوان زبان دین؛
- ۹- به‌کارگیری مهارت‌های یک زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه تجویزی) برنامه درسی، با رعایت اصل تثبیت و تقویت هویت اسلامی - ایرانی.

شایستگی «عمل»، زمانی حاصل می‌شود که فرد قابلیت عمل را پیدا کند و آن را به فعلیت برساند و در اثر به‌کارگیری آن، صفات و ویژگی‌های او تغییر کند. به گونه‌ای که بتوانیم او را انسانی اهل عمل توصیف کنیم.

قابلیت عمل زمانی ایجاد می‌شود که فرد، به دانسته‌های خویش باور داشته باشد و به لحاظ درونی نیز، فردی قدرتمند باشد.

سوال: چطور قابلیت عمل را در متربی ایجاد کنیم؟

اگر دانش آموز قدرت مند باشد، غلبه بر هر مانعی آسان است. منتها من برای اینکه دانش آموز خودم را قدرتمند تربیت کنم، باید ابتدا خودم این قدرت را داشته باشم. راه کلی و عمومی کسب قدرت، حرکت در مسیر صراط مستقیم است. اما به طور خاص، نشستن پای سخن افراد قدرتمند، به تدریج به

انسان قدرت می بخشد. و قدرتمندترین انسانی که می توان پای سخن او نشست، حضرت علی (ع) است. کلام امام علی (ع) در نهج البلاغه، سرشار از قدرت است.

در ادامه، به نمونه ای از فرازهای قدرت خیز نهج البلاغه اشاره می کنم:

امام علی (ع) درباره دشمنانش در جنگ جمل فرمود:

«قَدْ أَرَعَدُوا وَ أُبْرِقُوا وَ مَعَ هَذَيْنِ الْأَمْرَيْنِ الْفَشَلُ وَ لَسْنَا نُرْعِدُهُ حَتَّى نُوقِعَ وَ لَا نُسِيلُهُ حَتَّى نُطِيرَ»

یعنی آنها (دشمنان امام) مانند رعد و برق درخشیدند و غرش کردند و با این حال، شکست خوردند. درحالی که ما تا حمله نبریم نمی خروشیم، و تا نباریم سیل جاری نمی کنیم.

بینید چه قدرتی در این کلام حماسی امام هست.

نمونه دیگر، خطبه جهادیه است. این خطبه، فقط سخن امام با مردم زمانه خویش نیست. بلکه سخن امام زمان (عج) با من و شمايي است که می بینیم دشمن تا وسط خانه های ما و در پستوهای خانه های ما نفوذ کرده و فکر و اعتقاد مردم ما را مورد تهاجم قرار داده است، اما برای مقابله با او کاری نمی کنیم. این خطبه به ما می گوید که از جانب امام زمان مان، مأمور به جهاد فرهنگی هستیم و اگر دعوت امام را لبیک بگوییم، و موفق به جهاد فرهنگی بشویم، از اولیاء خاص خداوند هستیم، ولی اگر این دعوت را اجابت نکنیم، نامردان مردنمایی هستیم که مورد لعن و نفرین امام زمان هستند.

با توجه به مطالب بالا، خطبه را بخوانید و بینید چه قدرتی در این خطبه هست:

«پس از حمد خدا، جهاد [جهاد با نفس؛ جهاد با شیطان و حزب او؛ جهاد با دشمنان درونی و بیرونی] دری است از درهای بهشت، که خداوند آن را به روی اولیاء خاص خود گشوده، جهاد جامه پرهیزگاری، زره استوار، و سپر مطمئن خداست.

هر کس آن را از باب بی اعتنائی ترک کند خداوند بر او جامه ذلت بپوشاند، و غرق بلا نماید، و به ذلت و خواری و پستی گرفتار آید، بر دلش پرده های بی عقلی زده شود، و در برابر ضایع کردن جهاد، حق از او گرفته شود، و محکوم به ذلت و خواری، و محروم از انصاف گردد.

بدانید که من شب و روز و نهان و آشکار، شما را به جنگ این قوم دعوت کردم، به شما گفتم که با اینان بجنگید پیش از اینکه با شما بجنگند، به خدا قسم هیچ ملّتی در خانه‌اش مورد حمله قرار نگرفت مگر اینکه ذلیل شد. اما شما مسئولیت جهاد را به یکدیگر حواله کردید و به یاری یکدیگر بر نخاستید تا دشمن از هر سو بر شما تاخت، و شهرها را از دست شما گرفت ...

عجبا عجبا! به خدا سوگند که اجتماع اینان بر باطلشان، و پراکندگی شما از حقّتان دل را می‌میراند، و باعث جلب غم و غصه است. رویتان زشت و قلبتان غرق غم باد که خود را هدف تیر دشمن قرار دادید، آنان شما را غارت کردند و شما چیزی به دست نیاوردید، جنگیدند ولی شما نجنگیدید، خدا را معصیت می‌کنند و شما خشنودید ...

ای نامردان مرد نما، دارندگان رؤیاهای کودکانه، و عقلهایی به اندازه عقل زنان حجله نشین، ای کاش شما را ندیده بودم و نمی‌شناختم. به خدا قسم حاصل شناختن شما پشیمانی و غم و غصه است. خدا شما را بکشد، که دلم را پر از خون کردید، و سینه‌ام را مالا مال خشم نمودید، و پی در پی جرعه اندوه به کامم ریختید، و تدبیرم را به نافرمانی و ترک یاری تباه کردید ... »

ببینید چه قدرتی در کلام امام علی (ع) هست. کسی که با این کلام انس بگیرد، قدرتمند می‌شود و می‌تواند بندهای انس با گناه را پاره کند. به میزانی که نسبت به اهل بیت (ع) عشق داشته باشید، وقتی این کلام امام و نفرین ایشان را می‌شنوید، محبت شما به جوش می‌آید و این جوشش، میل به گناه را می‌سوزاند؛ نفس اماره را می‌سوزاند.

اصلاً هیچ چیزی جز عشق و محبت به خدا و ائمه چنین قدرتی ندارد. امام علی (ع) می‌فرماید:

«حُبُّ اللَّهِ نَارٌ لَا تَمُرُّ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا احْتَرَقَ» (مصابح الشریعة، ص: ۱۹۳)

یعنی عشق به خداوند آتشی است که بر هر چیزی بیفتد، آن را می‌سوزاند. تنها چیزی که می‌تواند نفس و تمایلات شهوانی و رخوت و سستی را بسوزاند، آتش محبت به خدا و اهل بیت است.

اگر بتوانیم محبت را در دل متربیان شعله ور کنیم، قدرت عمل پیدا می‌کنند؛ قدرت طغیان بر هوای نفس پیدا می‌کنند؛ قدرت غلبه بر تنبلی و سستی و رخوت، پیدا می‌کنند.

باید این آتش را تجربه کنیم و به دانش آموزان مان کمک کنیم که آنها هم این آتش را تجربه کنند.

۵. اخلاق

- ۱- رعایت تقوی الهی در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی؛
- ۲- متعهد به ارزش‌های اخلاقی از جمله: صدق، صبر، احسان و رأفت، حسن خلق، حیا، شجاعت، خویشتن‌داری، قدر شناسی، رضا، عدالت، قناعت، نوع دوستی و تکریم والدین و معلم در شئون و مناسبات فردی و اجتماعی؛
- ۳- ارزش قائل شدن برای کار و معاش حلال و داشتن روحیه تلاش مستمر؛

- ۴- ارزشمند دانستن عالم، علم آموزی و یادگیری مادام العمر؛
- ۵- تقدم بخشیدن منافع ملی بر گروهی و منافع جمعی بر فردی؛
- ۶- ارزش قائل شدن برای مخلوقات هستی و محیط زیست؛
- ۷- التزام به اصول و ارزش‌های اخلاقی در استفاده از علوم و فناوری‌های نوین.

سوالات

۱. عناصر، عرصه‌ها و ساحت‌های الگوی هدف‌گذاری را نام ببرید.
۲. کدامیک از عناصر الگوی هدف‌گذاری جنبه محوری دارد؟
☐ تعقل ☐ ایمان ☐ عمل ☐ اخلاق
۳. سه مبنایی که باید در اجرای الگوی هدف‌گذاری مدنظر داشته باشیم، کدامند؟
۴. با توجه به عناصر و عرصه‌های الگوی هدف‌گذاری، هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی چیست؟
۵. «شایستگی بین فرهنگی» به چه معناست؟
۶. مفهوم «شایستگی‌های پایه» را توضیح دهید.

۷. قدم اول برای کسب یک شایستگی چیست؟

۸. توضیح دهید که چگونه می توان قابلیت ایمان را کسب و ایجاد نمود؟

۹. توضیح دهید که چگونه می توان قابلیت علم را کسب و ایجاد نمود؟

۱۰. توضیح دهید که چگونه می توان قابلیت عمل را کسب و ایجاد نمود؟

۱۱. شایستگی تعقل را توضیح دهید.

۱۲. چهار مورد از شایستگی های اخلاقی را که متربیان باید به دست آورند، نام برید.